

برگزاری انتخابات آزاد یا تمرین کُشتی با منافع ملی؟!

" تو مرا ملا بخوان من ترا حاج آقا میخوانم !!!"

میگویند یک شرکت تجارتي اعلان داده بود که به مدیر لائق و با چند سال سابقه و موفق ، مسلط بر چند زبان خارجی و دارای تحصیلات عالی نیازمند یم و شخصی با تحصیلات اندک و بدون سابقه مدیریت و نا آشنا به زبان های خارجی مراجعه کرد ، از وی پرسیدند که برای چه آمده ایی ؟ آن مرد تازه وارد جواب داد آمده ام بگوئیم که روی من حساب نکنید !!!

قسمت چهارم :



محمد امین فروتن

در قسمت های قبلی صحبت بر سر این بود آنگاه که پای مشارکت مافیایی و فردی در میان باشد منافع و تمامی اصالت های یک جامعه از حافظه شهروندان رخت بر میبندند و کالبد های آدم نما و ملمع شده به غرائز قدرت و ثروت به رقص می آیند و بلادرنگ وارد میدان میشوند . زیرا دیدیم که چگونه در اوج توطئه ای از توطئه گران و اخلال ، اخلالگران کسانی که ناظر اجرای بدترین جنایات و خونین ترین حوادث بر برادران و خواهران اقوام شریف افغانستان منجمله شهروندان هزاره تبار این سرزمین بودند و یاهم در واکنش به این جنایات درد ناکی که بنام طالبان و به زعم آنها از سوی شهروندان وابسته به قوم پشتون انجام یافته بود "که خوشبختانه هیچگاه پدیده ای بنام طالبان و طالبانیزم وابسته به یک

قوم خاصی نبوده و نیست" * با ایجاد حوادث غمناکی چون دشت لیلی ، و قتل عام های دیگری بدترین حوادث در تاریخ افغانستان بوجود آمد برخی از فرماندهان این جنایات خونین نه تنها در رکاب همدیگر شمشیر میزنند بلکه مدارک و شواهدی هرچند مجعول و مجهول ! را در برنت همدیگر به صحنه می آورند و به زبان و لهجه ای مطرح و صحبت میکنند که گویی اصلاً مسأله جنگ های خونین داخلی و طرح حوادث فجائع غمناکی در تاریخ افغانستان چون حادثه دشت لیلی مزارشریف - حادثه المناک افشار - و صدها حادثه و جنایات دیگری که ثبت تاریخ افغانستان شده است یک توهم استخباراتی بوده که هیچگاه در تاریخ افغانستان وجود نداشته است !!! و یکی از برجسته ترین توجیهاتی که نامزدان و کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در چندین وجه بدان پرداخته است گویای همین حقیقت است . همچنان تمامی مهره های شطرنج انتخابات در افغانستان سعی دارند تا قدرت های بیگانه را که در خارج از مرزها و به اساس عقل سرمایه داری لبرال از آن ها فرمان میبرند خود را مناسب ترین و بی غل و غش ترین تیم و گروهی وانمود کنند که در شناسائی و بیلانس منافع کشورهای حاضر در ائتلاف بر آنها حساب باز نمایند . !! زیرا در حوزه مشروعیت سیاسی جوامع بشری به نقش قدرت های بزرگ صنعتی جهان بویژه در تاریخ دوازده ساله اخیر حضور جامعه جهانی در افغانستان بی نهایت ارزش قائل هستند .

شگفت انگیز است که بخشی از همین کاندیدا های ریاست جمهوری معادله قدرت در افغانستان (رهبری جامعه متعلق به قوم پشتون) از چندین دهه زمامداری سلاطین و حاکمان گوناگون که در رگهای اکثر آنها خون آلوده به ویروس منافع شرکت های نفتی بیگانه جریان داشته است در قالبهای بنام سلطنت - جمهوریت - جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان - دولت اسلامی افغانستان - امارت اسلامی و بالاخره دولت جمهوری اسلامی افغانستان دست ناخورده باقی مانده و با گذشت زمان در کالبد نیمه جان ملت افغانستان به بیماری مزمن و از جنس جنون گاوی مبدل شده است . هیچکسی و حتی پهلوانان بی شماری در تاریخ افغانستان در عین حالیکه بر بیهوده گی و بیگانه گی آن پی میبردند ، نتوانسته اند آنرا به نفع اراده آزاد انسان باشنده سرزمین افغانستان تغییر دهند . این مشکل ، مشکلی بسیار اساسی است که حتی امروز و در قرن بیست و یکم در حالیکه رجال سیاسی و کاندیداهای محترم ریاست جمهوری افغانستان باید با توجه به رئوس و محتوای فکری اجندای مورد عمل خویش در کارزار انتخاباتی حضور یابند با ملاحظه به نگاه و اجندای " بیگانه قومی " بویژه همین بینیش و نگاه معیوب قدرت های بزرگ جهان و منطقه در افغانستان عمل میکنند ! اما چه کسی و با چه اجندای باید حکومت کنند ؟ همین طوری که همه خواننده گان ارجمند این یادداشت میدانند و با افکار و اندیشه های من آشنائی دارند من بصورت کامل به مسأله اکثریت فزینی فلان قوم و فلان قبیله را که دلیل مشروعیت و امتیاز حقوقی بکار میگیرند کاملاً مخالف ام ، زیرا علاوه بر وجود نظریات

فیلسوفان مختلف و نظریه پردازان و متفکران اجتماعی و فلاسفه سیاسی که مردم را منشأ مشروعیت میدانند و این عملیه در شکل تکمیل شده و مدرن امروزی اش نام "دموکراسی" را بخود گرفته است قرآن کتاب خدا وند نیزدر تدوین فلسفه خلقت و زندگی تکاملی بشر درآیه ۱۳ سوره الحجرات چنین میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ یعنی ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک هیچگونه امتیاز نیست،) گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

بزرگترین و درعین حال مسخره آمیزترین منطق برخی از حضرات کاندیدای "ریا" ست جمهوری افغانستان آنجا و آنگاه است که دارنده گان القاب بزرگی از روشنفکری و جهان پهلوانی وقتی در برابر این پرسش قرار میگیرند که چگونه فلان قاتل و جلاد را بحیث کسی که اجندای فکری و عملی شما را تا سرمنزل مقصود برسانند جزئی از همکاران تیم آینده تان برگزیده آید ، بدون آنکه در باره هویت و ظرفیت های فکری آن همکار عزیز خود که تازه به دسته ای از پهلوانان در آمده است مطالبی بیان کند به همان فورمول افسانوی مروج در جوامع عقب مانده به شمول افغانستان یعنی " تو مرا ملا بخوان من ترا حاج آقا میخوانم " متوصل میشوند . گویا هرکس آزاد است به تناسب حال و مقال خویش مطالبی بفرماید . عجیب آن است که برخی از همهین کاندیداهای محترم ریاست جمهوری وقتی لباس مندرسی مصلحان بزرگ شرق برتن میکنند وبا گرداندن دانه های از تسبیح که نمادی از آمیزش عرفان با سنت است در قرن حاضر که قرن شاخص ها و اندیشه ها محسوب میشود در مجالسی از عوام الناس حضور می یابند در معرفی شخصیت همکاران خود به مبالغه های غیر قابل باور متوصل میشوند .

میگویند شخصی از اوباشان که کسی را به چاقو زخمی ساخته بود برای پیش برد دعوی اش وکیل مدافعی را استخدام کرده بود ، وکیل مدافع حین قرئت دفاعیه مؤکیلش با جملات زیبایی چون مؤکل من بیسار آدم مؤدب و آرامی است که هیچگاه با کسی وارد پرخاش گری نه میشود ، پنج وقت نماز میخواند و دائم در خدمت مردم منطقه اش میباشد مؤکل اوباش اش وقتی این گونه توصیف های غیر واقعی را از زبان وکیل دعوی اش شنید برسم اعتراض با صدای بلندی در سالون محکمه در خطاب به وکیلش گفت : که شما توصیف چه کسی را می کنید ، پول وکالت را از من گرفته ای و دفاعیه کس دیگری در محضر قضا می خوانی ؟

ادامه دارد

* نظر نویسنده این یادداشت